

# حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای با اندیشه‌ امت‌محور سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی در بحران‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا

محسن عابدی در چه<sup>۱</sup>

## چکیده

در دنیای کنونی حکمرانی در مقیاس‌های مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی و در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نظامی و انتظامی انجام می‌شود. حکمرانی در حوزه نظامی خود به بخش‌های مختلف دفاعی و امنیتی قابل تقسیم است. حکمرانی دفاعی در مقیاس منطقه‌ای، موضوعی است که پس از شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای براساس منافع خود سعی داشتند در این منطقه از خود بروز و ظهور دهند. در این میان اتحاد بازیگران منطقه‌ای همچون عربستان، ترکیه، رژیم صهیونیستی و برخی دیگر از کشورهای عربی با بازیگران فرامنطقه‌ای غربی به سرکردگی ایالات متحده آمریکا بر سر تشکیل و حمایت از گروهک‌های تروریستی - تکفیری سبب ایجاد تحولات خشونت‌باری در این منطقه شده است. این مقاله ضمن پرداختن به رویکرد جمهوری اسلامی ایران به فرماندهی سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی در قبال بحران‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا به بررسی اندیشه وحدت‌محور و امت‌ساز وی در حکمرانی دفاعی‌اش در مقیاس منطقه‌ای می‌پردازد. هدف تحقیق این است که اساساً رویکرد حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای حاج قاسم سلیمانی در قبال بحران ژئوپلیتیکی در منطقه غرب چه بوده است. در همین راستا با گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای با فیش‌برداری به روش توصیفی - تحلیلی به تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات موجود در زمینه تحولات و بحران‌های موجود در منطقه پرداخته شده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد ایشان با تکیه بر رویکرد امام و امت، امت اسلام را به‌عنوان سیاست دینی محور قرار داده و حکمرانی دفاعی خود را در منطقه بر این رویکرد مبتنا کرد و بر همین اساس جبهه مقاومت تشکیل شد و پیروزی‌های شگرفی را به‌دست آورد.

## واژگان کلیدی:

حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای، بحران ژئوپلیتیکی، غرب آسیا، حاج قاسم سلیمانی

۱ - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، پردیس البرز دانشگاه تهران

## ۱- مقدمه

سیاست به معنی کارکرد حکومت یا دولت و مدیریت امور همگانی و فعالیت احزاب سیاسی و تدابیری که حکومت به منظور اداره امور کشور اتخاذ کند، همواره بر اساس سلسله دیدگاه‌ها و اصولی مورد بررسی قرار می‌گیرد که می‌توان مجموعه آن را اندیشه سیاسی نامید، چنان که بر بنیادهای فلسفی این دیدگاه‌های اصولی نیز فلسفه سیاسی گفته می‌شود (عمیدزنجانی، ۱۳۹۳: ۳۲). از دیدگاه مجتهدزاده، سیاست به معنی «تدبیر» و به کار گرفتن تدبیر در کار کشورداری یا در مدیریت سیاسی اجتماع است. (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۲۲-۲۱). درباره مفهوم سیاست، دو دیدگاه وجود دارد: نخست آن که سیاست یعنی: زورگویی، فریب‌کاری، نیرنگ‌بازی، نقض پیمان‌ها، هتک عفت‌ها، قتل انسان‌ها و یا زیر پا گذاشتن هرگونه اصول بشری، عقاید مذهبی، اخلاق انسانی (مک‌آیور، ۱۳۴۴: ۲۶۴) و استخدام هر وسیله‌ای برای دستیابی به هدف‌های ناپاک، نامشروع و نامقدس (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۲۳) در دیدگاهی دیگر که امام خمینی «ره»؛ در دوره معاصر، در صدر ارائه دهندگان آن قرار دارد، سیاست را به سیاست انبیاء و اولیای الهی و غیر از آن، تقسیم می‌کند (امام خمینی، ۱۳۹۷: ۱۶۰-۱۵۹) در این دیدگاه، سیاست یعنی: «اصلاح امور دین و دنیای مردم» (شیرودی، ۱۳۹۳: ۱۶). به دیگر سخن، با کنار هم نهادن مفهوم اندیشه و معنای سیاست می‌توان اندیشه سیاسی را یک نظام فکری منسجم دانست که حول محور پدیده‌های مرتبط با قدرت و سعادت و مانند آن سامان می‌یابد، یا می‌توان آن را مجموعه‌ای از باورهای سیاسی تلقی کرد که به‌طور مستقیم به دولت و اداره امور جامعه ارتباط دارد. این باورها در یک نظام و منظومه قرار می‌گیرند، به همدیگر پیوند می‌خورند و در هماهنگی با هم، به‌سر می‌برند. برخی نیز، اندیشه سیاسی را تراوشات فکری بشر دانسته که به مسائل سیاسی معطوف می‌شود مسائلی که در اطراف و در ارتباط با قدرت و سعادت جریان دارند (بلوم، ۱۳۷۳: ۴۳). متناسب با اندیشه سیاسی و ایدئولوژی سیاسی، نوع نظام سیاسی و توزیع قدرت در هر کشوری مبتنی بر باورهای ایدئولوژیکی و ملی آن جامعه بنا نهاده شده است، بر این اساس ابتدا الگوی حکمرانی یا حکمروائی و توزیع قدرت در هر کشوری متناسب با نظام سیاسی حاکم بر آن کشور است. هر چند اصول کلی حاکم بر آن می‌تواند از یک اندیشه، ایدئولوژی و قواعد صحیح و درست سرچشمه بگیرد (زارعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). از سوی دیگر، در فرهنگ لغت آمریکایی «هریتیج» واژه «حکمرانی» به عنوان «فعالیت، شیوه عمل یا قدرت حکمراندن؛ دولت» معنا شده است. در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد، حکمرانی «فعالیت یا روش حکمراندن، اعمال کنترل یا قدرت بر فعالیت‌های زیردستان؛ نظامی از قوانین و مقررات» تعریف شده است. در دایره‌المعارف بین‌المللی علوم اجتماعی نه تنها تعریف واژه «حکمرانی» وجود ندارد بلکه در نمایه آن نیز چنین واژه‌ای درج نشده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۱۹۳). در یکی از گزارش‌های بانک جهانی درباره آفریقا، حکمرانی به صورت «اعمال قدرت سیاسی به منظور اداره امور یک ملت» معنا شده است (World Bank, 1989: 60). همچنین بانک جهانی «حکمرانی را به عنوان روشی که بر اساس آن قدرت بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال می‌شود» تعریف می‌کند، در حالی که بوئینگر حکمرانی را به

عنوان «دولت مطلوب جامعه» تعریف می‌کند (Lateef, 1992: 295). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۹-۲۵۸). امروزه حکمرانی مفهومی است که در جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، امور دولتی و به ویژه مدیریت توسعه مطرح و به کار گرفته می‌شوند بنابراین با توجه به موضوعیت یافتن این مفهوم و ضرورت توجه به آن به دلیل تغییرات مستمر جوامع و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، تعیین سطوح به‌کارگیری و متولیان جاری‌سازی آن اهمیتی قابل توجه دارد (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۵۹؛ شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۳۷). به عبارت دیگر، علی‌رغم این که حکمرانی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، دفاعی-امنیتی، نظامی و انتظامی جاری و ساری است، در مقیاس‌های جغرافیایی مختلف نیز مبنای عملکرد مدیران و فرماندهان میانی و عالی‌رتبه مدنظر قرار می‌گیرد. در عرصه امور نظامی و انتظامی واژه حکمرانی نه فقط در بین مدیران، بلکه بیشتر در میان فرماندهان مصداق پیدا می‌کند. فرماندهان در صحنه‌های عملی میدان نبرد با نفوذ و تأثیرگذاری شگرف خود می‌توانند در تفکر و سیاست، سیاست‌مداران و زبردستان خود منشأ اثر شوند همین عامل نفوذ و رهبری در دل، قلب، فکر و جان رزمندگان است که می‌تواند فرماندهان را پیروز میدان‌های نبرد و کارزارهای عملیاتی گرداند. سپهبد پاسدار حاج قاسم سلیمانی نیز با همین خصوصیات اخلاقی نظیر حُسن خلق، صبر، اخلاص، شجاعت، گوش شنوای مشکلات رزمندگان، تدبیر، به‌کارگیری تمامی ظرفیت‌ها و انسان‌های توانمند در عرصه حکمرانی دفاعی به نماد و سنبل بارز حکمران منطقه‌ای در حوزه امور نظامی تبدیل گردید.

## ۲- مفاهیم و مبانی نظری

### أ. امت و حدود و ثغور آن:

از لحاظ لغوی، مفهوم «امت» صرفاً مفهومی عقیدتی است که از ریشه «ام، یؤم» هم وزن «قصد، یقصد» می‌باشد (راغب‌اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۸۶). اطلاق اُم بر مادر نیز بدان جهت است که کودک در زمینه نیازمندی‌های خود یا به جهت احساس آرامش، او را قصد می‌کند. در واژه «اُم»، حالت زاینده‌گی که در واژه «والده» وجود دارد نیست؛ بلکه مقصد و مقصود بودن و ملجأ بودن مادر، نسبت به فرزند مطرح است. بر این اساس، «امت»، به مجموعه‌ای از انسان‌ها اطلاق می‌گردد که هدف و مقصد واحدی آنان را گرد هم جمع نموده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۴: ۱۷۲). علامه در تفسیر المیزان در ذیل آیه «کان الناس امه واحده» با اشاره به معنای مختلف امت این گونه شرح می‌دهد: «اصل این کلمه از اُم به فتح همزه به معنای قصد است و لذا به گروهی از مردمان گفته نمی‌شود، بلکه به جمعیتی گفته می‌شود که دارای قصد واحدی بوده و به واسطه آن با یکدیگر مربوط و متحد شده باشند و به همین مناسبت بر یک فرد انسان و سایر معانی اطلاق می‌شود. در هر حال ظاهر آیه دلالت بر این مس‌کند که دورانی بر بشر گذشته

که افراد با یکدیگر متحد و متفق بودند و ساده و بی سروصدا زندگی می‌کردند نه در امور زندگی با یکدیگر نزاع و جنگی داشتند و نه در امور دینی و در هر صورت، واژه امت در تفسیری قانون‌گرایانه به گروهی از مردم اشاره دارد که به وسیله عقیده و عمل مذهبی با یکدیگر متحد شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۵۰، سوره مومن/۱). از نظر برخی از متفکرین اسلامی واژه امت در معنایی نزدیک به ملت (شعب) نیز به کار می‌رود. طبعاً در این کاربرد مقصور از امت گروه بزرگی از مردم است که دارای زبان یکسان با دین واحد و یا سرزمین جغرافیایی یکسانی هستند (ابراهیمی، ۱۳۷۹: ۱۰۳). قاضی معتقد است: «برای تشکیل جامعه متشکل سیاسی، امروزه دست کم سه عامل ملت، سرزمین و قدرت سیاسی واجب است. در اسلام به جای مفهوم ملت که بر اشتراکات نژادی، تاریخی، فرهنگی و روانی استوار است، نظریه امت وجود دارد که جنبه عقیدتی صرف دارد و از این جهت از معنای ملت متمایز است. مرز بین امت‌ها، مرزهای جغرافیایی و طبیعی نیست، بلکه مرز عقیده دینی است. هر کس به یگانگی الله و نبوت محمد «صلی الله علی و آله و سلم» اعتقاد داشته و بر شریعت قرآن و سنت گردن نهد، جزء اعضای امت اسلامی محسوب می‌شود. از عناصر نژاد، قبیله، طایفه، زبان، رنگ پوست و امثال این گونه عوارض، در آن اثری نیست» (قاضی، ۱۳۷۹: ۱۴۰). زارعی به نقل از آیت الله صدر در تعریف امت می‌نویسد: «امت یعنی وجود جمعی مردم، نه این یا آن فرد ... یعنی گروهی که بین افرادش روابط و پیوندها براساس مجموعه‌ای از افکار و آرمان‌ها و مبانی وجود دارد و این پیوندهای مشترک آنها را در برخی از نیروها و استعدادها به هم مربوط می‌سازد. این جامعه‌ای است که قرآن تعبیر به امت کرده است» (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۵۵). یکی از مفاهیم اساسی و مهمی که نظریه امت را از ملت جدا و در تقابل با یکدیگر قرار می‌دهد، موضوع قلمرو خاص ملت‌ها و قلمرو عام و واحد و فاقد مرزهای بین‌المللی متعدد امت در جهان اسلام است. مفهومی که برای تشریح و تحلیل قلمرو کشورها و سرزمین‌های جهان اسلام به کار برده می‌شود و جهان اسلام را یک وطن اعتقادی و ایمانی می‌شناسد، مفهوم دارالاسلام (قلمرو امت اسلامی) است. زارعی به نقل از زنجانی می‌نویسد: «دارالاسلام به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که در آن‌ها احکام اسلام جاری و نافذ باشد. شهید اول درباره دارالاسلام می‌نویسد: «منظور از دارالاسلام سرزمینی است که در آن احکام اسلام جاری و نافذ باشد و در آن مکان هیچ کافری زندگی نمی‌کند، مگر اینکه تحت پیمان دولت اسلامی باشد. و دارالکفر سرزمینی است که احکام کفار در آن حاکم و نافذ باشد و هیچ مسلمانی در آن اقامت ندارد، مگر اینکه پیمان آشتی و صلح با کفار بسته باشد. به هر حال نظریه امت در جهان اسلام در بسیاری موارد مبتنی بر دارالاسلام و بر سرزمینی با جمعیت مسلمانان بیشتر نسبت به جمعیت غیرمسلمان آن بستگی دارد» (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). با توجه به این حقیقت که «ملت» مفهومی نوین است که در گستره شایان توجهی برجای مفهوم کهن «امت» نشسته است، جای دقت دارد که مفهوم جدید با مفهوم امت دقیقاً همخوانی و هماهنگی دارد. از دو جنبه با مفهوم امت تفاوت دارد: نخست اینکه «ملت» وابسته به سرزمینی مشخص است، یعنی مفهومی «درون مرزی» دارد؛ حال آنکه «امت» مفهومی فرامرزی است. دوم اینکه «امت» پدیده‌ای است ناشی از جمع آمدن مردمان بر گرد یک باور دینی ویژه که جنبه‌ای «فرامرزی» دارد. فراتر، در حالی که

امت ناشی از یک عامل فرهنگی - محیطی (دین) است، ملت پدیده‌ای حاصل پیوند چند عامل فرهنگی و محیطی است (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۶۹).

### ب. حکومت<sup>۱</sup> و حاکمیت<sup>۲</sup>:

حکومت واژه عربی در زبان فارسی است که ریشه آن «حکم» به مفهوم امر، فرمان و دستور است. بر این پایه، حکومت در حالت مصدری به مفهوم حکم دادن، فرمان دادن، فرمان‌روایی و داوری کردن است و در حالت اسمی به معنای فرمان‌روایی، پادشاهی و داوری است (عمید، ۱۳۸۹). حکومت دستگاه سازمان یافته‌ای است که اعتبار و مشروعیت آن بر مبنای رأی مردم و قوانین الهی، اساسی، حقوقی، مدنی، عرفی و سنتی جوامع متکی است (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۳). در فرهنگ فارسی معین حکومت این طور تعریف شده است: «فرمان دادن، امر کردن، فرمانروایی کردن، سلطنت کردن، پادشاهی کردن، داوری کردن، قضاوت کردن» (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). حکومت بعد عمودی ساختار سیاسی تشکیلاتی قانونی است که بر بنیاد رضایت عمومی مردم در یک گروه انسانی مشخص پای می‌گیرد که «سرزمین» چهره افقی آن شمرده می‌شود. به گفته دیگر، سرزمین سیاسی (کشور) جلوه‌گاه فیزیکی است که بعد عمودیش حکومت خوانده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۳۳). هر چند تعدادی از نویسندگان چنین اظهار داشته‌اند که حکومت و دولت دو کلمه مترادف هستند، اکثریت افراد صاحب‌نظر چنین عقیده دارند که حکومت یک وسیله و ابزار ضروری دولت است و یا حکومت را می‌توان سازمانی از دولت نامید که به‌طور عادی از سه قسمت یعنی قوه مجریه، قوه مقننه و قوه قضائیه به اضافه تشکیلات اداری تشکیل شده است (قالیباف، ۱۳۹۱: ۴۳). انواع گوناگونی از شکل و ساختار حکومت وجود دارد، اما همان‌طور که لیکاک گفته است برای به وجود آمدن حکومت: «صرف وجود اطاعت از نیروی برتر کافی است. شکل‌های استبدادی یا ستمگری حکومت با فراهم کردن این شرایط، همان وضعیت سیاسی را به وجود می‌آورد که اگر اقتدار حکومت از رضایت عمومی برآمده باشد» (Leacock, 1924: 14). حکومت از دیدگاه ساختار سیاسی بر دو گونه است: حکومت پادشاهی که با نظریه پاندز در زمینه خودبه‌خودی بودن آن هماهنگی دارد (Pounds & Ball, 1964: 24-40) و قدیمی‌تر است و بی‌گمان باید ریشه اصلی‌اش را در تاریخ باستان ایران جستجو کرد و حکومت جمهوری که با نظریه راتزل در زمینه اندامی بودن حکومت برابر است (Ratzel, 1969) و ریشه اصلی آن را باید در تاریخ روم باستان جستجو کرد. حکومت‌های پادشاهی یا سنتی و مطلقه است، همانند بیشتر پادشاهی‌های شبه‌جزیره عرب که پادشاه در آن حاکم و تصمیم‌گیرنده اصلی و نهایی است یا مشروطه و دموکراتیک، همانند بیشتر

1 state

2 Sovereignty

پادشاهی‌های اروپا که پادشاه در آن نقشی سمبولیک دارد و حکومت و حاکمیت در آن متعلق به مردم است و اراده مردم برای اداره سرزمین به دولت‌های منتخب که جلوه تشکیلاتی حکومت است منتقل می‌شود. با این حال، اصل تداوم و مشروعیت در هر دو گونه، اصل «وراثت» پادشاهی است. از سوی دیگر، حکومت جمهوری که بر اساس انگیزه اصلی «حاکمیت جمعی» یا «جمهوریت سیاسی» جامعه شکل می‌گیرد، در حکومت فرماندهان (سزار) انتخاب شده از سوی سنا در روم باستان ریشه دارد. شایان توجه است که روم باستان پس از تبدیل نظام پادشاهی خود به نظام انتخابی یاد شده، جمهوریت را، در اقتباس از مشترک‌المنافع ایران باستان، به نظام امپراتوری تبدیل کرد (مجته‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۵). از سوی دیگر، واژه «حاکمیت» از واژه لاتینی «Superanus»، به معنای «برتر است»، گرفته شده است (رحمت‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۹۰). می‌شود گفت که آن معنا و مفهومی که دانش‌واژه «ارزش» در علم اقتصاد سیاسی دارد دانش‌واژه «حاکمیت» در علم سیاست دارد و همیشه نوعی قدرت یا اقتدار حکومتی یا قانونی از آن در ذهن بوده است (عالم، ۱۳۸۴: ۱۵۳). به عبارت دیگر حاکمیت قدرت عالی دولت و قانون‌گذار و اجراکننده قانون است و بالاتر از آن قدرتی نیست (آشوری، ۱۳۹۱: ۱۲۸). یکی از شرایط احراز حاکمیت ملی، آن است که حکومت توانایی اعمال قدرت مشروع را در سراسر قلمرو داشته باشد؛ به نحوی که نظارت بر تمامی امور صورت گیرد و ضمانت اجرایی لازم نیز برای دستورها، قوانین و احکام فراهم شود؛ به عبارت دیگر حکومتی که نتواند ثبات، امنیت و نظم عمومی را با بهره‌گیری از روش‌های قانونی پیش‌بینی شده برقرار کند و ابزار لازم را برای اجرای تعهدها و احکام صادره فراهم سازد، در حقیقت فاقد قدرت مؤثر است. استمرار چنین وضعی، اضمحلال حکومت را در پی خواهد داشت، هر چند هیئت حاکمه آن از طریق قانونی به قدرت رسیده باشند. چنین حکومتی در اثر عدم توانایی برای رفع نیازها و مشکلات جامعه با بحران مشروعیت مواجه خواهد شد (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۹۰). در مجموع، از میان نظریه‌های گوناگون مربوط به حاکمیت، می‌شود در مورد دو گروه اصلی از باورهای مربوط به ریشه حاکمیت بحث کرد: (۱) نظریه‌های حاکمیت الهی؛ (۲) نظریه‌های حاکمیت مردم (توکل‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

### ج. حکمرانی<sup>۱</sup>:

فرهنگ فارسی معین در تعریف حکمران و حکمفرما واژگان مترادفی نظیر «حاکم، والی، فرمانروا، حکمران» را آورده است (معین، ۱۳۸۷: ۴۱۶). حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود (Johnson, 1997:9). حکمرانی در لغت به معنای حکومت، فرمانروایی، راهبری و حکمرانی تعریف شده است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۷۹: ۶۸۹). معادل اصطلاح گاورننس را در زبان فارسی «حکمرانی» و برخی «حکمرانی» بیان

کرده‌اند. به نظر می‌رسد که مفهوم حکمروایی در زبان فارسی «حکم روا کردن» و یا «حکم روا داشتن» و معنای حکمرانی، «حکم راندن» است (ویسی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). زارعی به نقل از مک‌کیم و همکارانش می‌نویسد: «حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکمرانان و حکمرانی شوندگان، حکومت و حکومت شوندگان مربوط می‌شود» و تعریف بانک جهانی از حکمرانی را چنین بیان می‌کند: «فرآیندها و نهادهایی که از طریق آن تصمیمات اتخاذ و اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود». همچنین تعریف برنامه عمران سازمان ملل را این‌گونه می‌آورد: «اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجرایی به منظور اداره امور یک جامعه در تمام سطوح حکمرانی شامل مکانیسم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن شهروندان و گروه‌ها منافع‌شان را منسجم و مشخص می‌کنند، با وظایف‌شان آشنا می‌شوند و اختلافات‌شان را حل و فصل می‌کنند» و در جایی دیگر، تعریفی دیگر از همین سازمان این چنین بیان می‌کند: «حکمرانی اعمال اقتدار اداری، اقتصادی، سیاسی در راستای مدیریت امور کشور در تمام سطوح بوده و ساز و کارها، فرآیندها و مؤسساتی را در بر می‌گیرد طریق آن‌ها شهروندان و گروه‌های جامعه منافع خود را به هم پیوند زده، حقوق خود را پیگیری، تعهدات خود را ادا و اختلافات خود را حل و فصل نمایند». تعریف صندوق بین‌المللی پول را نیز این طور ذکر می‌کند: «با توجه به اهداف صندوق بین‌المللی پول، حکمرانی منحصر به جنبه‌های اقتصادی و ... در دو زمینه بهبود اداره منابع عمومی، حمایت از توسعه و حفاظت از شفافیت و اقتصاد پایدار و محیط قانونمند است که مساعدت‌کننده فعالیت‌های بخش خصوصی کاراست» (زارعی، ۱۳۹۸: ۲۶۰-۲۵۹).

### ۳- محیط‌شناسی تحقیق

پس از بیداری اسلامی و در پی جنبش‌های مردمی و تحولات جدید پس از سال‌های ۱۳۹۰ در غرب آسیا و شمال آفریقا بسیاری از نظام‌های سیاسی و نظم منطقه‌ای در حال دگرگونی و تحول می‌باشد. الگوهای مختلفی از تحولات در کشورهای مختلف به مرحله اجرا در آمده که برخی از بیرون از مرزها تحمیلی بوده و بعضی از آن‌ها توسط روشنفکران دینی و انقلابی مدیریت گردیده است که به لحاظ خاستگاه فکری تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر داشته‌اند. در تونس و مصر روند مسالمت‌آمیزی از انتقال قدرت آغاز شد و به تدریج با اصلاح نظام سیاسی و روند نوینی از دولت‌سازی، قدرت از انقلابیون به نخبگان و گروه‌های سیاسی جدید منتقل گردید. با این تفاوت که در مصر پس از کودتای نظامی السیسی با حمایت آل‌سعود و غرب و برکناری مرسى به عنوان نماینده حزب اخوان‌المسلمین این جنبش دچار انحراف و سرکوب شد. در لیبی تغییر رژیم با جنگ داخلی و مداخله نظامی غرب به خصوص فرانسه انجام شد و پس از سقوط رژیم قذافی، این کشور هنوز با چالش‌ها و معضلات جدی روبه‌روست. در بحرین قیام مردمی با مداخله نظامی آل‌سعود در حمایت از آل‌خلیفه مورد سرکوب قرار گرفته و شیخ‌علی سلمان گرفتار زندان و شیخ عیسی قاسم با سلب تابعیت از بحرین مواجه گردیدند، اما در حال حاضر مردم انقلابی با

انرژی فراوان خواستار آزادی شیخ علی سلمان و عذرخواهی آل خلیفه از شیخ عیسی قاسم بوده و لزوم تغییرات را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در یمن مهار جنبش انقلابی با برخی تغییرات در نخبگان سیاسی گذشته و استعفای رئیس‌جمهوری و فرار به عربستان سعودی همراه بود که در روزهای ابتدایی سال ۱۳۹۴ با حمله نظامی به مردم بی دفاع یمن تاکنون علی‌رغم سرکوب این جنبش انقلابیون مصمم‌تر از قبل به دنبال در دست گرفتن قدرت هستند. اما سوریه به دلیل موقعیت ژئواستراتژیک خاص در غرب آسیا و محور مقاومت و حساسیت و تأثیرگذاری در مسائل منطقه و بین‌الملل علی‌رغم تلاش‌های فراوان گروه‌های تروریستی- تکفیری معاند و حامی آن‌ها کشورهای عربی- غربی به همراه ترکیه و رژیم اشغالگر قدس، با وجود گروه‌های قومی- فرقه‌ای مختلف از جمله علوی‌ها، سنی‌ها، کردها و گروه‌های دیگر مانند مسیحیان و دروزی‌ها، با کمک و حمایت کشورها و مردم انقلابی جبهه مقاومت تاکنون در مقابل همه فشارهای داخلی و خارجی ایستادگی کرد و باعث پاکسازی قسمت اعظم خاک سوریه شده است. همین مقاومت باعث شد کشورهای عربی- غربی به همراه ترکیه و رژیم اشغالگر قدس به فکر انتقال گروه‌های تکفیری- تروریستی به کشور در حال گذار عراق شوند. این تدبیر موقت سبب شد که استان‌های شمالی و غربی عراق درگیر شود اما با تلاش و مقاومت عراق و جبهه مقاومت این توطئه نیز خنثی گردید و اکنون کشور عراق در مسیر بازگشت به شرایط قبل می‌باشد. بحران ژئوپلیتیکی غرب آسیا با طیفی از مسائل و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در ارتباط بوده که از جمله آن‌ها می‌توان به آینده محور مقاومت و امت‌سازی منطقه‌ای در قالب توازن قدرت منطقه‌ای، مسأله فلسطین اشغالی و امنیت رژیم اشغالگر قدس، مسأله افراط‌گرایی گروه‌های تروریستی- تکفیری و تقابل قدرت‌های منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان سعودی اشاره کرد. همچنین پس از ناکامی آمریکا در کشور عراق و تقویت جبهه مقاومت، مقدمات امت‌سازی منطقه‌ای با بیداری اسلامی (در کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین و عربستان سعودی) و خیزش‌های منطقه‌ای با حضور مردم انقلابی در حال شکل گرفتن بود که اردوگاه عربی- غربی با پیاده‌نظام خود، یعنی گروهک‌های تکفیری- تروریستی با حضور در کشورهای عراق و سوریه پس از جریان بیداری اسلامی که از طرف غربی‌ها به بهار عربی تعبیر شد، سعی در انحراف افکار عمومی و جلوگیری از شکل‌گیری و ادامه فعالیت‌های جبهه مقاومت شدند. آن‌ها قصد داشتند فعالیت‌های غیرقانونی گروهک‌های مذکور را در قالب نارضایتی مردمی و بهار عربی جلوه دهند در صورتی که ماهیت اتفاقات در کشور سوریه متفاوت از دیگر کشورها بود و به جای زایش از درون، از بیرون کنترل می‌شد و رفته رفته پس از حاصل نشدن نتیجه مذکور آن را به عراق نیز تعمیم دادند (عابدی‌درچه و همکاران، ۱۳۹۵: ۵-۴).



محقق در این تحقیق با سیر و جستاری در اندیشه‌های حکمرانی متعالی در اسلام به روش توصیفی-تحلیلی به مطالعه و بررسی حکمرانی دفاعی- منطقه‌ای سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی با تکیه بر اندیشه‌ امت‌محور و وحدت‌محور وی در بحران‌های ژئوپلیتیکی غرب آسیا پرداخته است. در این میان گردآوری اطلاعات با فیش‌برداری به روش کتابخانه‌ای انجام شده است.

## ۵- یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل آن

### اعتقاد به حکومت الهی در سبک حکمرانی خدامحور:

در نظریه حاکمیت الهی، قدرت ناشی از نیرویی ماوراءالطبیعه است که از سوی خداوند، طبق موازین و احکامی، به مسئولان و مراتب پایین‌تر انتقال می‌یابد (قاضی، ۱۳۷۰: ۲۳۰؛ توکلی‌نیا و شمس‌پویا، ۱۳۹۵: ۱۱۰). این دیدگاه بر مبنای ادیان و کتب مقدس آسمانی و دستوره‌های دینی متکی است. در مکاتب الهی، اعتقاد و باور پیروان واقعی ادیان بر این است که هر گونه قدرتی تنها از اراده خداوند نشأت می‌گیرد و خداست که از هر عیبی میرا و از ظاهر و باطن دو عالم آگاه است. از دیدگاه توحیدی، انسان آفریده خداوند (ممکن‌الخطا) و در دستگاه عظیم آفرینش موجودی فناپذیر با آگاهی‌های بسیار محدود است. به اعتقاد پیروان این دیدگاه، انسان در عین حالی که مختار آفریده شده و می‌تواند مسیر رشد و تعالی را انتخاب کند، ولی هرگز قادر نخواهد بودجه‌ای از کمال برسد که واجد شرایط قانون‌گذاری برای زندگی و سعادت دنیوی و اخروی‌اش و جامعه باشد. بنابراین دیدگاه، انسان شایستگی لازم را برای وضع قوانین ندارد، بلکه تمام قدرت و حکومت از مشیت خداوندی است که پس از تعلق گرفتن اراده خداوند بر خلقت انسان، از بین مردم برگزیدگانی را از هبوط آدم «علیه السلام» به زمین تا بعثت حضرت خاتم‌النبیین «صلی الله علی و آله و سلم» به پیامبری مبعوث و به آنان رسالت داد تا مردم را به یکتاپرستی و راه صحیح زندگی دعوت کرده، زمینه رستگاری آن‌ها را در دو جهان مهیا کنند (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۸-۱۸۷). طرفداران این نظریه مدعی هستند که تشکیل دولت ناشی از حکمت الهی و اراده خداوندی بوده و متصدیان امور از طرف خداوند مبعوث می‌شوند و از جانب و به نمایندگی او مردم را اداره می‌کنند. این نظریه در ممالک قدیم مانند مصر، چین، آشور، کلد و حتی در یونان و روم نیز معمول بوده است. در آن دوران فرمانروایان ماهیت خدایی داشته‌اند و خود در زمره خدایان بوده‌اند. مردم مصر و روم، فرعون‌ها و امپراتوران را از خدایان می‌دانسته‌اند. پس از ظهور حضرت مسیح «علیه السلام» این نظریه توسعه یافت و از طرف روحانیون مسیحی تقویت شد. در حقیقت روحانیون مسیحی برای پیغمبرانی که فرستاده خداوند هستند، حق حاکمیت قائل شده و معتقد بودند که آن‌ها باید بر مردم حکومت کنند و تعالیم دینی را در اجتماع اجرا نمایند و پس از پیغمبران، وظیفه روحانیون است که اداره امور کشور را در دست گیرند. غالب نویسندگان قرون وسطا مانند سنت آگوستین، دولت را ناشی از خداوند دانسته و مدعی بودند که اداره مملکت بایستی در دست روحانیون و نمایندگان مذهب مسیح باشد. شیخ‌الرئیس ابوعلی‌سینا در قرن چهارم و پنجم هجری نیز برای دولت منشأ الهی قائل شده و از این نظریه چنین نتیجه گرفته است که

مقنن باید از طرف خداوند مبعوث شود (قالیباف، ۱۳۹۱: ۲۱). به اعتقاد پیروان حقیقی ادیان الهی، قدرت خداوند نامحدود و وجود اقدسش از هر نقصی مبراست. از این رو فرستادگانش حامل بهترین قوانین بوده و شایسته‌ترین افراد برای تشکیل حکومت و اداره جامعه هستند. حکومت‌های خدایی بر مبنای توحید، نبوت، معاد و حذف اعتبارهای طبقاتی، قومی و نژادی بنا می‌شوند و کل جامعه انسانی را مورد خطاب خود قرار می‌دهند. حکومت‌های الهی مبارزه با ظلم، فساد و جنایت را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند و آرمان آن‌ها تعالی و سعادت انسان است (تهامی، ۱۳۹۰: ۱۸۸). قرن هفده و هجده میلادی، دوره‌ایی است که در آن رشد علوم تجربی روی داد و این موضوع باعث بروز روحیه افراطی علم‌گرایی شد. این علم‌گرایی که روش آن، تأکید مفرط بر تجربه بود، اساساً به نفی تدبیر و حاکمیت خدا انجامید و خدا به سان، ساعت‌سازی تصویر شد که جهان را آفرید و آن را به حال خود رها ساخت. به علاوه، در دوره فوق، نظریه حکومت خدا (تئوکراسی) مورد تشکیک جدی و عمیق قرار گرفت و به جای آن، نظریه‌هایی ارائه شد که در آن‌ها، مشروعیت حاکمیت سیاسی- اجتماعی، موکول به رأی مردم گردید و حکومت از بالا به پایین، جای خود را به حکومت دموکراتیک (مردم) و از پایین به بالا داد (شیرودی و جهان‌بین، ۱۳۹۳: ۱۰۰).

### افراط‌گرایی و بحران ژئوپلیتیکی غرب آسیا

امروزه امت اسلامی از لحاظ جغرافیای سیاسی به طرز بی‌سابقه‌ای از هم جدا و بندبند شده است و با حمله بی‌امان و چالش‌های پیش‌بینی نشده سکولاریسم مدرن روبرو شده است. البته سکولاریسم مدرن، یهودیت و مسیحیت در غرب را نیز به چالش گرفته، اما دست کم می‌توان گفت از بافت خود آن جامعه برخوردار است، در حالی که این چالش از بیرون بر امت اسلامی تحمیل می‌شود و نیروهای نظامی، اقتصادی، سیاسی بی‌بدیلی از آن حمایت می‌کند (نصر، ۱۳۸۶: ۱۹۱). منطقه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک غرب آسیا و شمال آفریقا همواره یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان بوده و تحولات درون این منطقه همواره معادلات را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. تحولات سوریه از جمله تحولاتی است که روند آن می‌تواند به‌طور جدی تقابل استراتژیک جمهوری اسلامی ایران را با دو رقیب استراتژیکش در منطقه یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی، تحت تأثیر جدی قرار دهد. (Joffe, May 2012: 2) رشد افراط‌گرایی در انواع مختلف آن به خصوص افراط‌گرایی سنی و گروه‌های تروریستی با گسترش ناامنی و بی‌ثباتی و تشدید بحران‌های منطقه‌ای رابطه مستقیم دارد. افراط‌گرایان سنی که از دهه ۱۹۹۰ در غرب آسیا و شمال آفریقا رشد یافته و در یک دهه گذشته در قالب القاعده فعالیت‌های خود را در کشورهای منطقه ادامه داده‌اند (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۷۳)، رفته‌رفته جای خود به گروه‌های دیگر همچون داعش و جبهه النصره داده‌اند. یکی از جریان‌هایی که در سال‌های اخیر و به ویژه پس از تحولات خیزش عربی نقش بسزایی در سیاست‌های منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا ایفا کرده است و هر روز بر دامنه گسترش نفوذ آن در منطقه افزوده می‌شود، جریان‌های تکفیری- تروریستی است. تازه‌ترین تحولات گروه‌های تکفیری- تروریستی به رویدادهای موسوم به «خیزش عربی» باز می‌گردد که نمونه‌های بارز آن در غالب «دولت اسلامی عراق»

یا «خلافت اسلامی» معروف به «داعش» در عراق و «جبهه النصره» در سوریه نمود یافته‌اند (عبدخدائی و تبریزی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). این جبهه افراطی عربی که از سال ۲۰۰۶ توسط جبهه غربی ایالات متحده آمریکا و توسط دولت اوباما و با مدیریت وزیر امور خارجه اش خانم کلینتون پایه‌گذاری گردید، نطفه ناپاکش در سال ۲۰۱۱ متولد شد و از موصل عراق، خلافت عربی خود را آشکارا رسانه‌ای کرد و تحت عنوان داعش «دولت اسلامی عراق و شام» خود را مطرح ساخت. این در حالی بود که از همان سال‌ها بیداری اسلامی و بنا به قول غربی‌ها بهار عربی از کشورهای تونس، مصر، لیبی، یمن، بحرین، برخی استان‌های رژیم عربستان سعودی نظیر قطیف و طائف شکل گرفته بود و کشورهای غربی به همراه رژیم اشغال‌گر قدس در پی مصادره و موج‌سواری از این خیزش عربی بودند. در کنار این خیزش‌های انقلابی و در کنار بی‌تدبیری حکام سوری، شورش‌ها و کودتاهایی در کشور سوریه به وقوع پیوست و ارتش آزاد آن تحت عنوان «جیش‌الحر» و گروه‌های اخوانی با عنوان «جبهه‌النصره» پا به عرصه سیاسی و مبارزاتی کشور سوریه گذاشتند. پس از وقوع این تحولات سه جبهه غربی، عربی و عبری با یکدیگر متحد شده و جبهه واحدی را در مقابل نهضت‌های آزادی‌بخش اسلامی با تفکر شیعی در منطقه غرب آسیا سازماندهی نمودند. در این میان سپاه قدس و به‌طور واضح‌تر، سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی نه فقط به عنوان فرمانده، بلکه با رهبری و نفوذ در اعماق قلب رزمندگان این گروه‌های آزادی‌بخش اسلامی از شرق دریای مدیترانه در کشورهای لبنان و فلسطین اشغالی تا عراق، جمهوری اسلامی ایران، افغانستان و پاکستان، توانست جبهه متحدی را سازماندهی نماید و با حکمرانی دفاعی - امنیتی خود در این جغرافیای پهناور نه فقط در بین مسلمانان شیعی بلکه مسلمانان سنی مذهب معتقد به وحدت در مقابل جبهه کفر، صف‌آرایی بی‌نظیری را ترتیب دهد. خاستگاه این نوع حکمرانی دفاعی - امنیتی سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی منشعب از تفکرات اندیشمندان و علمای قدیم و معاصر اسلام در حوزه حکمرانی جهانی و منطقه‌ای نظیر فارابی، بوعلی سینا، خواجه نصیرالدین طوسی، شهید محمدباقر صدر، امام خمینی «ره»، علامه شهید مرتضی مطهری و امام خامنه‌ای مدظله‌العالی بوده است.

### اندیشه امت‌محوری در رفتار سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی

واژه امت نخستین بار از طریق قرآن کتاب آسمانی مسلمانان که تجلی اساسی اسلام، حقوق و فقه، اخلاق و جهان‌بینی کلی آن است، وارد ادبیات علمی جهان اسلام شد. نخستین وظیفه پیامبر ساختن جامعه‌ای واحد بر اساس ارزش‌های توحیدی بود که قرآن، پیروان خود را به آن امر کرده بود. به لحاظ جغرافیای سیاسی، اسلام سرزمینی بود که بین دو امپراطوری بزرگ زمان خویش، ایران و روم شرقی (بیزانس) قرار داشت. بنابراین پیامبر به خوبی واقف بود که جزیره‌العرب در صورتی می‌توانست به حیات سیاسی و فرهنگی خود ادامه دهد که به این وحدت و فرآیند امت‌سازی دست یابد و چنین نیز شد. پیش از هر چیز، اسلام به اتحاد امت خود تأکید می‌ورزد هر چند بعد از چهل سال اول تاریخ اسلام، شکاف‌های اقتصادی و سیاسی گوناگون پدید آمد و اگر چه بعد از پایان یافتن خلافت امویان در شرق در قرن دوم

هجری، اتحاد سیاسی اسلام هرگز ایجاد نگردید، اما آرمان اتحاد امت در طول تاریخ اسلام به شدت وجود داشته و در دوران معاصر خود را در قالب جنبش‌های مختلف نشان داده است. نظریه امت‌محوری در جهان اسلام بعد از الغای خلافت اسلامی در سال ۱۹۲۴ و پس از آن فروپاشی امپراطور عثمانی، اعتبار خود را نزد مسلمانان برای تقسیم‌بندی جهان به دو اردوگاه دارالاسلام و دارالحرب تا حدودی از دست داد، اما با شکل‌گیری برخی از حکومت‌های اسلامی در دهه ۱۹۸۰ به بعد بار دیگر این رویکرد توسط اندیشمندان سنت‌گرای اسلامی احیا شد، هرچند غالب دولت‌مردان اسلامی نگرش غیردینی و منبعث از ارزش‌های عرفی برآمده از نهادهای بین‌المللی، حقوق بین‌الملل و قراردادهای متعارف و موجود بین‌المللی را مبنای رفتار و عمل خویش قرار می‌دهند، اما این شرایط دلیلی نمی‌شود که این مفاهیم نزد مسلمانان، به خصوص اندیشمندان اسلامی و حتی برخی حاکمان، مورد مطالعه، بازنگری و بررسی قرار نگیرد (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۶۱-۱۵۸). اندیشمندان اسلامی عوامل ایجاد یک امت واحد در جهان اسلام را که ضامن حفظ و بقای وحدت باشند به صورت ذیل برمی‌شمارند:

- ۱) توحید تمام یکتاپرستان را در یک رابطه متحد می‌کند، به طوری که تمام موحدان به واسطه قبول بندگی خدا در جمیع حقوق و تعهدات با هم برابرند و او حاکم علی‌الاطلاق مسلمانان است. در درجه اول وجه مشترک و ملاک پیوند دهنده آحاد امت اسلامی ایمان به وحدانیت خداوندی است که چون روحی حیات‌بخش در کالبد امت اسلامی است.
- ۲) ابعاد جهانی اسلام در امور مسلم است. اسلام در میان اقوامی گسترش یافته که نه تنها در نژاد بلکه در زبان، ملیت، طرز فکر، جنبه‌های اقتصادی، موقعیت محیطی و سوابق تاریخی با هم هیچ‌گونه شباهتی ندارند. اسلام این گونه امتیازات ظاهری را نه تنها باعث برتری نمی‌داند، بلکه همه را یکسان و برابر می‌داند. اصول دیانت بیش از هر ایدئولوژی دیگر خواه مادی و خواه معنوی، ناظر بر اتحاد، برادری و برابری آنهاست (زارعی، ۱۳۹۲: ۱۵۸-۱۵۷).
- ۳) قرآن پیوسته رسالت حضرت محمد «صلی الله علی و آله و سلم» را به مسلمانان بازگو می‌نماید، رسالتی که نقش رهبری انسان‌ها به سوی برابری و برادری و تفاهم اخلاقی را برعهده دارد (نوربخش، ۱۳۷۲: ۲۷).

تأسیس حکومت اسلامی در مدینه، ساختار جدیدی از نظام سیاسی را پدید آورد که پیش از آن وجود نداشت. برخی از ویژگی‌ها و مشخصات این نظام که حداقل تا پایان حیات پیامبر «صلی الله علی و آله و سلم» و نیز در حکومت کوتاه علی «علیه السلام» ادامه یافت (زرگری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۳۶-۳۳) عبارت بود از: سیاست‌گذاری برای استحکام پیوندها بین مسلمانان مهاجر و انصار، تصمیم‌گیری درباره نحوه برخورد مسلمانان با یهودیان، تدوین استراتژی لازم برای رفع تهدیدهای قطعی مشرکین مکه و گسترش اسلام در میان ساکنان یثرب و اعراب پیرامون آن و مبارزه با فقر و ... به این سان، اندیشه جدیدی در نظام سیاسی پیدا شد که وحدت دین و سیاست، طرح و اجرای اخوت بین مهاجر و انصار، انعقاد پیمان همزیستی مسالمت‌آمیز با یهودیان (وحدت سیاسی) در درون مدینه، از آن جمله بود (بناب، ۱۳۸۵:

(۱۵۷)، اما جنگ‌های پیش آمده به وسیله مثلث مشرکان مکّه، یهودیان مدینه و بدویان صحرائشین از سال اول هجرت به بعد، مانع از توسعه و تحکیم ویژگی‌های مذکور گردید (شیرودی، ۱۳۹۳: ۲۹). در دوره خلفای سه‌گانه، نظام سیاسی جدیدی شکل گرفت که ویژگی‌های آن با دوره رسول‌الله «صلی الله علی و آله و سلم» تفاوت‌های اساسی داشت. از جمله: کم‌توجهی به ارزش‌های دینی و عدم به‌کارگیری شایستگان، کنار نهادن تدریجی مردم از ایفای نقش مؤثر در سرنوشت سیاسی، برتری‌بخشی به اعراب بر اساس نژاد نه تقوا، استوار شدن قدرت سیاسی بر توانمندی‌های قبیله‌ای، تأثیر گرایش و انگیزه‌های غیرالهی در کشورگشایی، توجه به ظاهر و نه باطن اسلام، کم‌شدن پاسخگویی نظام سیاسی، روی‌آوری به ارزش‌های جاهلی، توسعه دوایر و مؤسسات دیوانی، افزایش میل به اشرافی‌گری و تجمل‌خواهی (شیرودی، ۱۳۹۳: ۳۶). که این موارد همه از ویژگی‌های حکمرانی ناشایست یا حکمرانی سفیهان می‌باشد. اما پس از رحلت پیامبر اکرم «صلی الله علی و آله و سلم» و خلافت خلفای سه‌گانه، اولین گروه‌ها و جریان‌های سیاسی شکل گرفته در اسلام بودند که از آن‌ها فرقه‌ها و نحله‌های متعددی منشعب شدند. از سوی دیگر، شیعیان معتقد به خلافت و ولایت امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب «علیه السلام» علاوه بر فرقه امامیه که معتقد به دوازده امام معصوم «علیه السلام» بوده و به اثنی‌عشری معروف هستند، نحله‌های دیگری نظیر زیدیه و اسماعیلیه از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند. از طرف دیگر، اهل سنت نیز به گروه‌ها و جریان‌های متعددی مانند اشاعره، معتزله و خوارج و نیز مرجئه، قدریه، ازارقه و اباضیه تقسیم شدند. تفاوت عمده و مهم در نوع حکمرانی دو گروه شیعه و اهل سنت اعتقاد اهل سنت به وجود خلیفه و تأمین امنیت در رأس شرایط و وظایف حکمرانی مطلوب بوده اما شیعیان معتقد به ولایت امام معصوم «علیه السلام» و نایبان عام و خاص آنها تحت عنوان ولی فقیه می‌باشند و عادل بودن ولی فقیه و اجرای عدالت را در رأس امور و وظایف حاکم به عنوان حکمرانی مطلوب می‌دانند. و اما شباهت اساسی و عمده بین شیعه و اهل سنت اعتقاد به وجود حاکم و حکومتی است که با دین رابطه دارد. اعتقاد به ساختار مناسب و کارگزار دارای شرایط مورد نظر اسلام که خروجی این دو باعث کارکرد مطلوب گردد، از ضروریات این نوع حکمرانی است. لذا عناصر اصلی حکمرانی متعالی در نظریه‌های این دو فرقه اصلی در اسلام شامل ساختار، کارگزار و کارکرد است که بدون ایجاد و اصلاح دو عنصر اولی، عنصر سوم بازخورد مناسب و مطلوب را نخواهد داشت (زارعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹). از آنجایی که گروه‌های تروریستی - تکفیری داعش و النصره از فرقه وهابیت سنتی مذهب نشأت گرفته و جدا شده‌اند، لذا اعتقاد به خلافت در حکمرانی از اصول بلامنازع و غیرقابل تفکیک از نحله فکری آنها می‌باشد. از سوی دیگر، جریان شیعی مذهب اسلام، به رهبری جمهوری اسلامی ایران، به ولایت امام معصوم «علیه السلام» و نایبان عام و خاص آنها تحت عنوان ولی فقیه معتقد می‌باشند و عادل بودن ولی فقیه و اجرای عدالت را در رأس امور و وظایف حاکم به عنوان حکمرانی مطلوب تشریح می‌کنند. از دیدگاه وهابیت و به‌طور خاص گروه‌های تروریستی - تکفیری داعش و النصره، وجود خلیفه (صالح یا ناصالح) و تأمین امنیت (مدنظر آنها) در رأس شرایط و وظایف حکمرانی مطلوب می‌باشد. این که مبانی اسلام این حکمرانی از کجا آمده و حاکم باید چه

ویژگی‌های دینی و اخلاقی داشته باشد، به هیچ وجه از شرایط حکمرانی و زمامداری در آئین وهابیت نمی‌باشد. این انحراف و فتنه‌ای بود که جبهه مقاومت به رهبری امام خامنه‌ای مدظله‌العالی و فرماندهی سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی، تمام قد در مقابل آن ایستاد.

در مکان و زمانی که اجرای برنامه‌ها و طرح‌های عمرانی، دفاعی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی در چارچوب تعریف شده اصولی و اساسی به نتایج مطلوب نمی‌رسد، مدیریت جهادی می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات و دغدغه‌های انسان‌ها در جوامع باشد. در مناطق ملتهب و پرآشوبی که گروهک‌های معاند نظام اقدام به انجام عملیات‌های خرابکاری و تروریستی می‌کنند کارگزاران حاکم با تکیه بر قدرت الهی مردم بومی منطقه و تفکر امنیت مردم نهاد می‌توانند امنیت را به منطقه برگردانند (عابدی‌درچه، ۱۳۹۶: ۵۷).

اقدامات موثر در مدیریت ناامنی به سبک و سیاق مدیریت جهادی شهید بروجردی در کردستان و شهید شوشتری در سیستان و بلوچستان توسط سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی همچون زمانی که خود در سیستان و بلوچستان مدیریت امنیت را بر عهده داشت، براساس حکمرانی و نگرش اعتماد اولیه متصلب و نفوذناپذیر جمهوری اسلامی ایران و فرماندهی سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی نسبت به مردم بومی منطقه کانون‌های ملتهب و بحران خیز غرب آسیا را مدیریت نماید. به این معنا که با بومیان منطقه براساس مدیریت جهادی مکتب نرم‌افزاری وحدت محور «رحماء بینهم» و با اشرار و تروریست‌های داعش و النصرة برمبنای مکتب سخت‌افزاری نظامی‌گری «اشداء علی الکفار» به مبارزه برخاست و تأسی به مکتب انسان‌ساز اسلام و چشم دوختن به منویات وحدت‌آفرین امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در دستور کار حکمرانی دفاعی- منطقه‌ای ایشان قرار گرفت. وی با بهره‌گیری از مدیریت جهادی وحدت‌محور دین مبین اسلام و با اخلاص، تدبیر، شجاعت، کیاست و ادبیات رأفت بنیان خود قصد داشت تمامی گروه‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش مسلمان اعم از شیعه و سنی را به عرصه امنیت مردم نهاد منطقه غرب آسیا بکشاند. وی با اتحاد میان کارگزاران حکومتی در کشور عراق و سوریه و قومیت‌های سنی‌مذهب، شیعی، علوی و غیره در منطقه غرب آسیا، هندسه فکری و فرهنگی نوینی بنیان نهاد. وی با همراه نمودن حکمرانان سیاسی دو کشور عراق و سوریه امنیت منطقه را به میان مردم برد و تلاش کرد با کمک مردم منطقه این مهم را به سامان برساند. امنیت در مقیاس بومی و محلی در اندیشه وی با خواست مردمی ظهور و بروز ملموس‌تری می‌یافت و خود را در مقیاس ملی و منطقه‌ای نشان می‌داد. جمهوری اسلامی ایران با فرماندهی سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی از نقش خود به عنوان بازیگر مؤثر در مقابله با رفتارهایی که توسط جبهه عبری، عربی- غربی مولد ناامنی در منطقه غرب آسیا بود، بهره می‌برد و تولید امنیت و حکمرانی دفاعی- منطقه‌ای را در دستور کار قرار داد و این یکی از خصوصیات یک بازیگر هوشمند است. حکمرانی دفاعی- منطقه‌ای سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی مزین به ویژگی‌های ایمان، تقوا، معنویت و اخلاق‌محوری، امانت‌داری و وفای به عهد در خصوص جان و مال و آبروی مردم تحت دفاع، حفظ استقلال، آزادی و حاکمیت کشورهای تحت حکمرانی دفاعی- منطقه‌ای وی، استکبارستیزی، مشارکت مردم در امنیت، پاسخگوئی منطقی در قبال همه تصمیمات تاکتیکی، عملیاتی

و استراتژیکی در منطقه به مردم و حکمرانان در تمامی مقیاس‌ها، شفافیت در اقدامات پس از اجرای تصمیم، سعادت آخروی و رفاه عمومی مردم جوامع غرب آسیا، مسئولیت‌پذیری در قبال وظایفی که ولی فقیه به عهده او گذارده، نظارت بر عملکرد مجموعه تحت امر و کارآمدی و اثربخشی می‌باشد.

امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در پیامی که به مناسبت شهادت سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی ایراد کردند فرمودند: «شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند. همه دوستان و نیز همه دشمنان بدانند خط جهاد مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است، فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است ولی ادامه مبارز و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد.» عنوان چهره بین‌المللی مقاومت، در واقع همان رهبری حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای است که امام خامنه‌ای مدظله‌العالی به وی اطلاق نمودند. منظور از دل‌بستگان و دوستان و مجاهدان این راه نیز همان گروه‌های مقاومت اسلامی در منطقه تحت حکمرانی منطقه‌ای حاج قاسم سلیمانی می‌باشد. این که امام خامنه‌ای مدظله‌العالی می‌فرمایند: «مبارز تا تلخ‌کامی قاتلان و جنایتکاران و دست یافتن به پیروزی نهایی ادامه دارد»؛ نشان از مکتبی است که حاج قاسم سلیمانی در این ایدئولوژی سیاسی و اندیشه حکمرانی رشد و نمو پیدا کرده و خود به عنوان یک حکمران دفاعی - منطقه‌ای به ایفای نقش می‌پردازد. از سوی دیگر، امام خامنه‌ای مدظله‌العالی در خطبه‌های نماز جمعه ۹۸/۱۰/۲۷ پس از دو هفته التهابات سیاسی و بین‌المللی درباره شهادت ایشان فرمودند: «سردار شهید عزیز ما را با چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس آموز، با این چشم نگاه کنیم آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد. قدر و قیمت این قضیه روشن خواهد شد. سپاه قدس را به عنوان یک مجموعه و سازمان اداری صرفاً نبینیم؛ بلکه به عنوان یک نهاد انسانی و دارای انگیزه‌های بزرگ و روشن انسانی مشاهده کنیم. اگر این جور شد، آن وقت این اجتماع مردم، این تجلیل و تعظیم مردم، تکریم مردم معنای دیگری پیدا می‌کند. البته همه نیروهای مسلح ما از ارتش، سپاه، بسیج زیربنای فکری‌شان هدف‌های الهی است، بدون تردید. امروز در کشور ما مسئله این است. زیربنای فکری همه نیروهای مسلح ما، همین اهداف الهی و بلند است. سپاه قدس یک نیرویی است که با سعه صدر به همه جا و همه کس نگاه می‌کند. رزمندگان بدون مرزند؛ رزمندگان بدون مرز. رزمندگانی که هر جا نیاز باشد، آنها در آنجا حضور پیدا می‌کنند؛ کرامت مستضعفان را حفظ می‌کنند، خود را بلاگردان مقدسات و حریم‌های مقدس می‌کنند. سپاه قدس را به این چشم نگاه نکنیم، آن وقت، همین‌ها، همین کسانی که با جان خودشان، با همه توان خودشان به کمک ملت‌های دیگر و ضعیف‌ای اطراف منطقه که در دسترس آنها است می‌روند، همین‌ها سایه جنگ و ترور و تخریب را از کشور خودمان هم دور می‌کنند و دفع می‌کنند. میهن عزیز ما یک بخش مهمی از امنیتش محصول کار همین جوانان مؤمنی است که در زیر فرماندهی سردار شهید عزیزمان سال‌ها کار کردند، تلاش کردند؛ این‌ها امنیت آورند، برای کشور هم این‌ها امنیت می‌آورند؛ بله، به کمک فلسطین و غزه و دیگر مناطقی که به وجود آنها نیاز هست می‌روند اما برای کشور خودمان امنیت ایجاد می‌کنند. آن دشمنی که آمریکا او را

تجهیز کرده است، نه برای عراق و سوریه، بلکه در نهایت برای ایران، ایران عزیز؛ داعش را درست کردند، نه برای اینکه فقط در عراق مسلط بشود، هدف اصلی و نهایی ایران بود. آنها می‌خواستند از این طریق، امنیت ما را، مرزهای ما را، شهرهای ما را، خانواده‌های ما را دچار ناامنی و تشویش بکنند؛ این‌ها متوقف شدند به کمک همین جوانان مؤمن و عزیزی که رفتند و این تلاش بزرگ را انجام دادند.» این ویژگی‌ها در خصوص سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی، جملگی از مولفه‌های یک حکمرانی است که در نقش دفاعی و امنیتی در مقیاس جغرافیایی منطقه‌ای ایفای نقش نموده است.

از سوی دیگر، خداوند متعال در قرآن کریم در سورهٔ حجرات از وحدت مسلمانان و مذاهب اسلامی سخن به میان آورده، و البته به ملیت و قومیت جداگانهٔ گروه‌های انسانی زن و مرد به صراحت تأکید کرده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»؛ ای مردم! ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است. (قرآن کریم، ۴۹: ۵۱۷) تردیدی نیست که اصل ملت و ملیت و همچنین هویت‌های مختلف به واسطهٔ قرار گرفتن در قبیله‌های مختلف و متفاوت نه اینکه تعارض و منافاتی با تعالیم اسلامی ندارد بلکه هماهنگی و انطباق کامل دارد و دلیل آن را قرآن کریم شناسایی متقابل افراد انسان معرفی می‌نماید. منظور این که اگر انسان‌ها در نژادها و اقوام مختلف خلق شده و با رنگ پوست و زبان متفاوت در سرزمین‌هایی با فضای جغرافیایی متکثر ساکن شده‌اند فقط به خاطر تنوع ویژگی‌ها به منظور سهولت در شناسایی افراد انسان از یکدیگر می‌باشد. نمی‌توان گفت چون چنین اختلاف‌هایی وجود دارد؛ دیگر ویژگی‌های موجود مابین افراد بشر را بایستی نادیده گرفت. ویژگی‌های همانند حس نوع‌دوستی، دفاع از مظلوم در برابر ظالم، علاقه به حفظ هویت دینی و تاریخی انسان‌ها، وحدت گروه‌های دینی، توجه و اتحاد حول ارزش‌های مشترک و ...؛ که باعث نزدیکی قلوب انسان‌ها بر مبنای اصول انسانی و اخلاقی اسلامی به یکدیگر شده و در نهایت منجر به شکل‌گیری امت واحدهٔ اسلامی می‌باشد. از سوی دیگر، ملی‌گرایی را می‌توان با دو تعریف بیان کرد: ابتداء، تعبیر غربی آن که همان تفاوت در زبان، نژاد، قومیت، رنگ پوست و ... است (عابدی‌درچه، ۱۳۹۵: ۷)، به تعبیر امام خمینی «ره»: «ملی‌گرایی در مقابل ملت‌های مسلمان دیگر، مسئلهٔ دیگری است که اسلام و قرآن کریم و دستورات نبی اکرم «صلی الله علی و آله و سلم» بر خلاف آن است.» (امام خمینی، ج ۲، ۳۷۸: ۱۹۰)؛ و سپس تعبیر ایرانی- اسلامی آن یعنی وحدت در عین وجود تفاوت میان ویژگی‌های احصاء شده توسط غربیان که از منظر ایرانی و اسلامی آن هیچ نوع برتری ایجاد نمی‌نماید، همچنین وحدت حول ارزش‌های مشترک و حفظ منافع ملی به منظور افزایش قدرت ملی و حفظ و ارتقاء امنیت ملی؛ از منظر دیدگاه دوم، اندیشهٔ وحدت ملت‌ها و امت‌محوری، تناقض و تضادی با تفکر حفظ تمامیت ارضی و توجه به حدود و ثغور مرزها و منافع کشورها و ملت‌ها ندارد، زیرا این اندیشه مبتنی بر اندیشهٔ سیاسی اسلام است (عابدی‌درچه، ۱۳۹۵: ۸)، به نحوی که حضرت امام «ره» در این رابطه می‌فرماید: «ما برای اینکه وحدت امت اسلام را



تأمین کنیم، برای اینکه وطن اسلام را از تصرف و نفوذ استعمارگران و دولت‌های دست‌نشانده آن‌ها خارج و آزاد کنیم راهی نداریم جز اینکه تشکیل حکومت بدهیم تا بتوانیم وحدت و آزادی ملت‌های مسلمان را احیاء و حکومت‌های ظالم و دست‌نشانده را سرنگون کنیم.» (امام خمینی، ج ۳، ۱۳۷۸: ۲۱۰) این اندیشه را می‌توان با دو راهبرد پیگیری نمود: نخست، حفظ مرزها با وحدت اندیشه و افکار در قالب اندیشه امت‌محوری که در شرایط کنونی راهکاری معقول، منطقی، واقع‌گرایانه و اجرایی به نظر می‌رسد؛ دوم، مرزهای خودساخته غربیان در منطقه غرب آسیا که با هدف بروز اختلاف‌های مستمر و مکرر در بین جوامع اسلامی به رهبری انگلستان ترسیم شده و بحران‌های ژئوپلیتیکی را سبب ساز شده حذف نمود و امت‌واحد اسلامی را در یک پهنه جغرافیایی وسیع با اهداف برشمرده شده توسط اندیشمندان اسلامی بر خاسته از متون و منابع دینی را بازتعریف و بازتولید نماییم که البته این هدف را به عنوان یک آرمان در اندیشه امت‌محوری می‌توان دنبال کرد (عابدی‌درچه، ۱۳۹۵: ۸). حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی مبتنی بر اندیشه امت‌محور با نگرشی ایده‌آل‌گرایانه و واقع‌نگر بر پایه مدیریتی جهادی با تولید امنیت نقطه به نقطه در مقیاس‌های مختلف حکمرانی در منطقه غرب آسیا قابل نمایش است.

### امت‌سازی منطقه‌ای مقدمه حکمرانی منطقه‌ای

در دنیای کنونی و در گذر از مکتب خسته و ناتوان دموکراسی که نتوانسته نیازهای مادی و معنوی ابناء بشر را تأمین کند، معرفی یک ایدئولوژی و مکتب سیاسی با عنوان اندیشه سیاسی اسلام در پایان قرن بیستم میلادی و کسب موفقیت‌های عظیم تنها در چهل سال، نه تنها تمامی جغرافیای جمهوری اسلامی ایران را از برکات خود متأثر نموده بلکه توانسته با قدرت و نفوذ ژئوپلیتیکی سیاسی و اعتقادی خود فضاهای جغرافیایی دیگری را نیز فتح کرده و به جرگه دین اسلام متصل نماید (عابدی‌درچه، ۱۳۹۸: ۱۵). وحدت میان دولت‌های اسلامی با عوامل منفی یا نارضایتی‌های مشترک به‌خصوص علیه دشمنان مشترک به حداکثر رسیده است، در عین حال عوامل مثبتی چون تمایل شدید به پیروی از ارزش‌های مشترک می‌تواند مؤثر باشد. اسلام‌گرایان معمولاً از ارزش‌های مشترک سخن می‌گویند ولی هنوز مجموعه روشن یا قاطعی از برنامه‌های مثبت اکثریت جهان اسلام که درباره آن‌ها توافق نظر داشته باشند ارائه نکرده‌اند (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۹۸). آرمان اتحاد امت اسلامی در طول تاریخ به شدت وجود داشته است و در دوران معاصر خود را در قالب جنبش‌های اسلامی معاصر نشان داده است (نصر، ۱۳۸۶: ۱۵۷). ابتدایی‌ترین چیزی که از یک انقلاب در چشم افکار عمومی رخ می‌نماید شعارهای آن انقلاب است. شعارهای سر داده شده در تونس، مصر، لیبی، یمن و بحرین گویای خواست و مطالبات مردمی با مضامین اسلام‌خواهانه و گاهاً ضد رژیم صهیونیستی بوده است. در خیزش همزمان مردم سایر کشورهای عربی منطقه، هر پایگاه و حرکت اسلامی از سوی جهان غرب به عنوان جریانی مضموم معرفی و تلاش می‌شد چون دسیسه‌های قبلی و مطرح اسلام‌هراسانه غرب مردم به خصوص قشر جوان از آن‌ها ترسانده شوند (ثغفی‌عامری، ۱۳۹۰).

هدف غرب از براندازی دولت اسد در مقیاس جهانی توسعه هژمونی خود در برابر باقیمانده بلوک شرق و در مقیاس منطقه‌ای مقابله با ژئوپلیتیک رو به رشد ایران و جبهه مقاومت است. در دهه‌های گذشته با خروج قدرت از دست گروه‌های سنی شکی نیست که عراق در دایره نفوذ ایران قرار دارد. این دستاورد بسیار مهم باعث تغییر وزنه تعادل قدرت در منطقه به نفع ایران شده است. تضعیف آل خلیفه در بحرین و دیگر هم‌پیمانان عربستان، قدرت‌یابی حزب الله لبنان و حوادثی از این دست، همگی موجبات تغییر توازن قدرت به نفع ایران و متحدینش را رقم زد. در مقابل این تغییر توازن قدرت، جبهه غربی-عربی تلاش نمود با سوء استفاده از جنبش‌های مردمی سوریه، تجهیز و وارد کردن گروه‌های تکفیری و به بحران کشیدن سوریه، اسد را از حکومت ساقط کند. هدف دولت اوباما شکستن ارتباط رو به گسترش میان سه کشور شیعی ایران، سوریه و عراق است (یزدان‌پناه و نامداری، ۱۳۹۲: ۱۱۴). از لحاظ ژئوپلیتیک نیز اینک عمق استراتژیک ایران گسترش یافته و در غرب تا سواحل دریای مدیترانه امتداد یافته است. بنابراین، مرزهای لبنان و سوریه به‌عنوان خط مقدم منطقه نفوذ ایران تلقی می‌شود. تام دانیلون، مشاور امنیت ملی آمریکا در دسامبر ۲۰۱۱، صریحاً اعلام نمود که: «پایان رژیم اسد موجب بزرگ‌ترین عقب‌نشینی ایران در منطقه و بر هم خوردن توازن قوای راهبردی و تغییر آن در منطقه علیه ایران خواهد بود» (محمدی، ۱۳۹۱: ۲۲). در جریان تحولات بحران سوریه قدرت‌های رقیب منطقه‌ای ایران همانند ترکیه و عربستان سعودی نسبت به وضعیت موجود ناراضی و خواهان تغییر در موازنه قدرت منطقه‌ای می‌باشند. در واقع اتحاد این بازیگران در مورد پرونده سوریه برای تضعیف اتحاد مقابل می‌باشد. این بازیگران سعی دارند سوریه را که یکی از متحدان کلیدی ایران در منطقه است و پل ارتباطی با گروه‌های حزب الله و حماس هم هست از ایران جدا کنند و با این کار موازنه منطقه‌ای را به سود خود تغییر دهند. سوریه برای سال‌ها نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب و اتصال استراتژیک ایران به منطقه مدیترانه را برعهده داشته است. تحولات سوریه بر ژئوپلیتیک منطقه و در عین حال در سطح بازیگری و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در منطقه تاثیر زیادی دارد. همسایگی سوریه با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق به عنوان اجزای مهم ژئوپلیتیک منطقه از اهمیت زیادی برخوردار است. این کشور می‌تواند از طریق بنادر «بانیاس» و «طرطوس» در ساحل مدیترانه، مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز به اروپا باشد (نجات و جعفری‌ولدانی، ۱۳۹۲: ۴۳). سوریه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، نزدیک‌ترین متحد عربی با جمهوری اسلامی ایران بوده است. نظام سوریه در جنگ تحمیلی رژیم بعثی علیه ایران اسلامی، با جمهوری اسلامی همراهی کرد. جایگاه سوریه چه از لحاظ ژئوپلیتیکی و چه از لحاظ نوع حکومتی که در آن قدرت را در دست دارد از یک طرف و همچنین قرار داشتن سوریه در خط مقاومت و در جبهه ایران از طرف دیگر، از اهمیت بسیار زیادی برای سیاست‌های راهبردی و منطقه‌ای ایران برخوردار است. (فرزندی، ۱۳۹۱: ۲۴) مخالفت با حضور و نفوذ غرب در منطقه، اتخاذ رویکرد ضد اشغالگر قدس و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین مولفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای ایران و سوریه به‌شمار می‌رود که دو کشور را به رکن اصلی محور مقاومت تبدیل کرده‌اند. سوریه به لحاظ راهبردی

بیشترین اهمیت را برای جمهوری اسلامی ایران دارد و عرصه‌ای مهم برای حمایت ایران از گروه‌های مقاومت، نقش‌آفرینی منطقه‌ای و گسترش توان بازدارندگی در مقابل رژیم صهیونیستی و غرب محسوب می‌شود (اسدی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). اما از آنجایی که، بعد از فروپاشی شوروی نقش افکار عمومی داخلی و بین‌المللی و سازمان‌های تروریستی بیش از پیش برجسته گردید. در رویکردهای امنیتی و استراتژیک سازمان‌های تروریستی جایگاه خاصی را اشغال کرده‌اند و به عنوان بازیگران مؤثر در محیط بین‌المللی که در کیفیت روابط میان واحدهای سیاسی و منافع آن‌ها (مثل امنیت) تأثیرگذار هستند، مورد توجه قرار گرفته‌اند (دیلمی‌معزی، ۱۳۸۷: ۲۱). در حال حاضر پارادایم امنیتی حول محور «مبارزه با تروریسم» می‌گردد. این سازمان‌ها به واسطه نوع آثاری که در محیط بین‌المللی دارند، بیش از پیش مدنظر سیاستمداران و استراتژیست‌ها قرار دارند. مطالعه و بررسی سازمان‌های تروریستی بخش زیادی از متون امنیتی را (بعد از فروپاشی شوروی) به خود اختصاص داده‌اند. حملات تروریستی سابقه‌ای طولانی دارد، اگرچه هیچگاه اهمیت آن‌ها تا به این اندازه نبوده است. «تروریست‌هایی که از زمان گذشته تا کنون وجود داشته‌اند عبارتند از: ناسیونالیست‌ها، آنارشویست‌ها و افراطیون راست و چپ» (والتر، ۱۳۸۱: ۵۴)، به واسطه اینکه در مورد تعریف تروریسم اجماع نظر وجود ندارد، لذا اطلاق عنوان تروریسم به گروهی خاص محل مناقشه قرار می‌گیرد (جی‌بدی، ۱۳۷۸: ۲۴۹). تروریسم را به انواع زیر تقسیم بندی می‌کنند:

- أ) تروریسم دولتی: که خود به کشتار شهروندان می‌پردازد. در این خصوص می‌توان به عملکرد رژیم مستبد و دیکتاتور اشاره کرد.
- ب) تروریسم بین‌المللی: که در آن تروریست‌ها با پشتیبانی از برخی دولت‌ها اقدام به عملیات تروریستی در دیگر کشورها می‌کنند.
- ج) تروریسم محلی: در این نوع از تروریسم؛ تروریست‌ها در داخل کشور خود بر ضد حکومت دست به عملیات تروریستی می‌زنند.
- د) تروریسم فراملی: که در قالب آن تروریست‌ها از ملیت‌های مختلف در کشورهای دیگر اقدام به عملیات تروریستی می‌کنند (هرسیچ، ۱۳۸۰: ۲۱).

حمله به مراکز استراتژیک آمریکا در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطفی در تثبیت جایگاه گروه‌های تروریستی به عنوان یک تهدید جهانی است. در واقع ۱۱ سپتامبر پیام جهانی شدن پدیده تروریسم و پیوستگی امنیت در سراسر جهان بود. این حادثه نشان داد که تهدیدهایی وجود دارند که حتی ابرقدرت نیز نمی‌تواند مانع از ظهور و بروز آن‌ها گردد (سیفی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴)، بلکه خود به عنوان حامی پنهانی گروه‌های تروریستی، حتی در داخل خاک کشور خود دست به چنین جنایاتی می‌زند. گروه‌های تروریستی داعش و النصره و سایر گروهک‌های وابسته به آنان که باعث بروز بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا شدند، بنا به گفته تبلیغاتی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا ساخته و پرداخته هیلاری کلینتون وزیر امور خارجهٔ اسبق ایالات متحده در سال ۲۰۰۶ بوده است. بر اساس تقسیم‌بندی هرسیچ از انواع تروریست به چهار نوع دولتی، بین‌المللی، محلی و فراملی، گروه‌های تروریستی- تکفیری محلی داعش و

النصره در کنار تروریست‌های فراملی که از نقاط مختلف دنیا نظیر آسیای شرقی و جنوب شرق، آسیای میانه، اروپای شرقی و غربی، آفریقا توسط جبهه غربی-عبری-عربی تشکیل شده بودند با اتحاد و سازماندهی تبدیل به تروریست بین‌الملل شده و اقدام به تخریب زیرساخت‌های عمومی کشورهای عراق و سوریه نموده و با قتل عام انسان‌های بی‌گناه و اشغال شهرها و خلافت خودخوانده، با احکام جعلی و ساختگی، سعی در اعمال حکمرانی پوشالی بر جغرافیای غرب آسیا داشتند. روند حمایتی تبدیل تروریست‌های «محلی و فراملی» به «تروریسم بین‌الملل» از سوی جبهه غربی-عبری-عربی بر هیچ کسی پوشیده نیست. این فرآیند باعث شد بازیگر جدید تحت عنوان تروریست‌های بین‌المللی داعش و النصره در منطقه غرب آسیا مولد بحران‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی گردند. (شکل ۱)



شکل ۱: فرآیند تشکیل تروریست‌های بین‌المللی داعش و النصره در غرب آسیا؛ منبع: نگارنده

گروه تروریستی- تکفیری داعش موسوم به «دولت اسلامی عراق و شام» بنا به اظهارات آمریکایی‌ها از جمله هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۶ در زمان صدارت وی بر مسند وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا با همکاری اقتصادی و مدیریت میدانی عربستان سعودی تشکیل و با هدف ایجاد اهرم فشار بر دولت‌ها و تفکر مقاومت در منطقه زاد و ولد و رشد و نمو پیدا کرد. این گروه ابتدا در عراق تشکیل شد اما فعالیت‌های مسلحانه خود را در حین جنبش‌های بیداری اسلامی منطقه در کشور سوریه به منظور انحراف افکار عمومی از بیداری اسلامی به بهار عربی و هم راستا جلوه دادن تحولات دیگر کشورها با کشور سوریه ادامه داد. پس از گذشت حدود سه سال و بروز ناکامی‌های متعدد و شروع مذاکرات صلح گروه تروریستی- تکفیری داعش با احساس ناامنی در کشور سوریه و در حمایت حامیان خود و با همکاری و چراغ سبز بازمانده بعضی‌ها در ارتش و مردم عادی عراق، پا به جغرافیای این کشور نهاد و در یک گام استان‌های نینوا، صلاح‌الدین، الانبار و ... را اشغال و افراد بسیاری از اعم از نظامیان و غیرنظامیان را قتل عام نمود. اشغال الرمادی در عراق و پالمیرا در سوریه گستره وسیعی را در دو کشور در اختیار این گروه قرار داد. به نحوی که برخی از اعضای داعش شعارهایی از قبیل «از فلوجه تا مبعوجه» را سر می‌دادند. اعضای این گروه در آن زمان حدود و ثغور حکومت خود را در دو کشور، شهر فلوجه استان الانبار عراق و شهر مبعوجه استان حماه در سوریه معرفی می‌کردند (عابدی درچه، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱). اما شکل‌گیری بحران‌های ژئوپلیتیکی اشاره شده در مطالب فوق حاکی از این است که این بحران‌ها ریشه در حدود یک قرن قبل، براساس اندیشه‌های آیندنگر غرب بوده است. کشورهای غربی با تقسیم قومیت‌ها، نژادها، زبان‌ها،

فرهنگ‌ها، رنگ پوست‌ها، مذاهب و ... در دو طرف مرزی که هیچ پایه و اساس منطقی نداشته از همان ابتدا سنگ‌بنای اختلاف را در بین جوامع اسلامی پایه‌گذاری کردند. پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، شروع موج اسلام‌هراسی، دخالت‌های آمریکا و جنگ‌های تحمیلی به منطقه و ظهور گروه‌های افراطی تروریستی با حمایت کشورهای غربی - عربی باعث بروز بحران‌های جدید ژئوپلیتیکی در منطقه شد که تنها راه مقابله با این بحران‌ها، شکل‌گیری جبهه مقاومت با همکاری دولت‌ها یا ملت‌ها و یا هر دوی آن‌ها به‌طور همزمان می‌باشد (عابدی‌درچه، ۱۳۹۵: ۱۰). در این بین، سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی با تشکیل جبهه متحد مقاومت اسلامی متشکل از گروه‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش حزب‌الله لبنان به رهبری سیدحسین نصرالله، انصارالله یمن به رهبری عبدالملک الحوثی، حماس و دیگر گروه‌های مقامت فلسطین، حشدالشعبی و حزب‌الله عراق به همراه حیدریون فعال در سوریه به رهبری مهندس ابومهدی و العامری، دفاع وطنی سوریه، فاطمیون افغانستان و زینبیون پاکستان و اتحاد بین آنها بحران بزرگ ژئوپلیتیکی غرب آسیا را مدیریت نماید و در نهایت آن را به کوچک‌ترین مقیاس ممکن در این جغرافیا تنزل دهد.

#### ۶- نتیجه‌گیری

حکمرانی به معنای اداره و تنظیم امور جامعه به رابطه میان مردم و حکمرانان مرتبط می‌شود. در واقع، فرآیندها و نهادها و کارگزاری‌ها که تصمیمات مقتضی را اتخاذ و اقتدار حاکمیتی را در یک کشور اعمال می‌کنند به نوعی حکمرانی انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، حکمرانی اعمال اقتدار سیاسی - اداری، اقتصادی، اجتماعی و نظامی و انتظامی در راستای مدیریت امور عمومی کشور در تمام مقیاس‌های جهانی، بین‌المللی، منطقه‌ای، ملی، ناحیه‌ای و محلی است. به هر حال، نظریه و رویکرد حکمرانی در مکاتب، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی مختلفی مورد بحث و مذاقه قرار گرفته و هر کدام با اهداف، منظورها و ویژگی‌ها و مولفه‌های خاص خود به تشریح و تبیین آن پرداخته‌اند. در این میان دو پارادایم و دیدگاه مهم در عصر کنونی در تقابل با یکدیگر و با رویکردی متفاوت به امر حکمرانی نظر دارند، یکی مکتب دموکراسی و دیگری مکتب تئوکراسی؛ رویکرد اول با محوریت انسان و دیدگاه دوم با خدامحوری به تبیین مباحث خود می‌پردازند. مکتب انسان‌محور غربی در قالب اندیشه سیاسی دموکراسی با هدف داشتن دنیایی خوب برای عده‌ای خاص به دنبال فراهم کردن رفاه حداکثری در این دنیا بر افراد جامعه هدف خود است. اما در حکمرانی متعالی که مدنظر اسلام می‌باشد، خدا محور تمام مباحث و رشد و تعالی مادی و معنوی انسان هدف اصلی در این نوع حکمرانی است. ساختار مناسب، کارگزار شایسته و کارکرد مطلوب سه عنصر اساسی و عمده این رویکرد بوده، که با دست یافتن به آن‌ها می‌توان حکمرانی مطلوب و متعالی را برای تمامی انسان‌های آزاده دنیا اجرایی نمود. در همین راستا سپهبد پاسدار شهید حاج قاسم سلیمانی با اجرای حکمرانی دفاعی - منطقه‌ای و مقابله با بحران‌های ژئوپلیتیکی در غرب آسیا، توانست با وحدت ملت‌ها و امت‌محوری با حفظ تمامیت ارضی و توجه به حدود و ثغور مرزها و منافع کشورها و ملت‌ها مبتنی بر اندیشه سیاسی اسلام با تشکیل جبهه مقاومت اسلامی، امت‌سازی منطقه‌ای

به‌عنوان یک گام عملی در ابتدا و امت‌سازی جهانی در قالب امت‌واحدۀ اسلامی در راستای تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی(عج) به‌عنوان یک آرمان قابل دسترس را پیگیری و دنبال کند.

#### ۷- منابع و ماخذ:

- قرآن کریم. (۱۳۸۳). ترجمۀ مهدی الهی قمش‌های. چاپ دوم. پائیز. قم: انتشارات خوشرو.
- امام خمینی «ره»، روح‌الله. (۱۳۹۷)، ولایت فقیه؛ حکومت اسلامی (تقریر بیانات امام خمینی «ره»)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی «ره».
- امام خمینی(ره)، روح‌الله. (۱۳۷۸). «صحیفۀ نور». جلد دوم و سوم. تهران: مؤسسۀ تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- آشوری، داریوش. (۱۳۹۱)، دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)، چاپ بیست و یکم، تهران: مروارید.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰)، مبانی سیاست، تهران: انتشارات قدس.
- ابراهیمی، محمد. (۱۳۷۹). «اسلام و حقوق بین‌الملل». تهران: نشر سمت.
- اسدی، علی‌اکبر. (۱۳۹۱). «بحران سوریه و تأثیر آن بر بازیگران و مسائل منطقه‌ای». فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام. شماره ۵۰. سال سیزدهم. تابستان. از صفحه ۱۴۷ تا ۱۷۸.
- بلوم، ویلیام‌تی. (۱۳۷۳)، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه: احمد تدین، جلد اول، تهران: آران.
- بناب، علی. (۱۳۸۵)، تحلیلی بر عملکرد یهود در عصر نبوی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی «ره».
- توکلی‌نیا، جمیله و محمدکاظم شمس‌پویا (۱۳۹۵)، قدرت و حکمروایی شهری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- تهامی، سیدمجتبی، (۱۳۹۰)، امنیت ملی، داکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی، جلد اول، چاپ دوم، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، معاونت فرهنگی (نشر آجا).
- ثغفی‌عامری، ناصر. (۱۳۹۰). «ملاحظات راهبردی ایران». روسیه و چین در بحران سوریه. مرکز تحقیقات استراتژیک. معاونت پژوهش‌های روابط بین‌الملل. اسفند ۹۰.
- حق‌شناس، علی‌محمد و همکاران (۱۳۷۹)، فرهنگ معاصر هزاره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- دیلمی‌معزی، امین (۱۳۸۷)، روندهای کلان نظام بین‌الملل در آغاز هزار سوم.
- راغب‌اصفهان‌ی. (۴۰۴ق). «مفردات لفاظ القرآن». جلد اول. چاپ دوم. مصر: نشرالکتاب.
- رحمت‌اللهی، حسین (۱۳۸۸)، تحول قدرت: دولت و حاکمیت از سپیده‌دمان تاریخ تا عصر جهانی‌شدن، تهران: نشر میزان.
- زارعی، بهادر (۱۳۹۹)، حکومت محلی و توسعه ایران، تهران: ستوس.

- زارعی، بهادر. (۱۳۹۲). «بنیادهای نظری جغرافیای سیاسی (با تأکید بر اسلام و ایران)». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زارعی، بهادر؛ سیدعباس احمدی و محسن عابدی درچه. (۱۳۹۸). تبیین مولفه‌های حکمرانی متعالی در اسلام، اولین همایش ملی حکمرانی، ۲۰ آبانماه، دانشگاه عالی دفاع ملی، صص ۱۱-۱.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۷۴)، رسائل مشروطیت، تهران: کویر.
- سیفی نژاد، افشار (۱۳۸۲)، تروریسم، چالش جدید امنیت جهانی، نگاه، شماره ۴۲.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰)، مشارکت شهروندی، حکمروایی شهری و مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، سال دوم، شماره ۸.
- شیروودی، مرتضی (۱۳۹۳)، اندیشه‌های سیاسی در اسلام، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۱)، چاپ دوم، پاییز، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
- شیروودی، مرتضی و اسماعیل جهان‌بین کیاده (۱۳۹۳)، اندیشه‌های سیاسی در غرب از اصلاح دینی تا قرن بیستم، مجموعه کتاب‌های اندیشه و سیاست (۳)، چاپ اول، بهار، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی، انتشارات زمزم هدایت.
- قاضی، ابوالفضل. (۱۳۷۹). «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی». تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۴ق). «المیزان فی تفسیر القرآن». قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- فرزندی، عباسعلی. (۱۳۹۱). «اهمیت راهبردی سوریه برای ایران». پیام انقلاب. شهریورماه. شماره ۶۲.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۴)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب (عصر جدید و سده نوزدهم)، چاپ هشتم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- عابدی درچه، محسن. (۱۳۹۸). الگویابی دانشگاه اخلاق مدار در گام دوم انقلاب اسلامی مبتنی بر حکمرانی علمی- اسلامی، مجموعه مقالات اولین همایش ملی گام دوم انقلاب اسلامی؛ رسالت دانشگاه‌ها، ۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۸، اصفهان: دانشگاه اصفهان، دانشگاه حضرت امیرالمومنین (علیه السلام)، صص ۱۸-۱.
- عابدی درچه، محسن. (۱۳۹۶)، نقش مدیریت جهادی شهید شوشتری در امنیت سیستان و بلوچستان، فصلنامه آئین رزم، پیش شماره ۲، زمستان، صص ۶۱-۳۳.
- عابدی درچه، محسن؛ علیرضا براتی و سیدمهدی نبوی. (۱۳۹۵)، رویکرد ایران در قبال بحران ژئوپلیتیکی غرب آسیا، امت‌محوری یا ملی‌گرایی، همایش بین‌المللی بحران‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام، ۲۴ و ۲۵ آبانماه، دانشگاه شهید بهشتی، صص ۱۱-۱.
- عابدی درچه، محسن. (۱۳۹۵/۰۵/۱۱)، استراتژی نظامی داعش در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا؛ استراتژی بازیگر سیال در فضای منقطع، سایت مؤسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، پیوند ثابت مطلب

- عبدخدائی، مجتبی و زینب تبریزی. (۱۳۹۴). «نقش گروه‌های تکفیری- تروریستی سوریه و عراق در تأمین امنیت (اسرائیل) رژیم اشغالگر قدس». فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی. سال دوازدهم. تابستان. شماره ۴۱. از صفحه ۱۴۹ تا ۱۶۸.
- عزتی، عزت‌الله. (۱۳۹۰). «ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم». چاپ چهارم. تابستان. تهران: نشر سمت.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد. مجموعه الکترونیکی سی دی ۱.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۹۳)، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، چاپ نهم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- قالیباف، محمدباقر (۱۳۹۱)، حکومت محلی یا استراتژی توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نجات، سیدعلی. اصغر جعفری‌ولدانی. (۱۳۹۲). «بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی. زمستان. شماره ۸. از صفحه ۲۹ تا ۴۹.
- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۹۲). «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی». چاپ ششم. تابستان. ویراست دوم. تهران: نشر سمت.
- محمدی، مصطفی. (۱۳۹۱). «مثال ایران، روسیه و چین در بحران سوریه». پیام انقلاب، دیماه. شماره ۶۶.
- معین، محمد (۱۳۸۷)، فرهنگ فارسی معین (یک جلدی)، چاپ اول، تهران: انتشارات فرهنگ‌نما.
- مک‌آیور، ریمون (۱۳۴۴)، جامعه و حکومت، ترجمه: ابراهیم علی‌کنی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان، (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب، بنیان توسعه، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۶). «قلب اسلام» ترجمه: صادق خرازی. تهران: نشر نی.
- نوربخش، عبدالرحیم. (۱۳۷۲). «مشکلات جهان اسلام». تهران: نشر تبلیغات اسلامی.
- والتر، لاکوتر (۱۳۸۱)، تروریسم پست مدرن: آسیب‌پذیری قدرت‌های بزرگ، نگاه، شماره ۲۴.
- ویسی، هادی (۱۳۹۲)، درآمدی بر دولت محلی، چاپ اول، تابستان، تهران: سمت.
- هرسیچ، حسین (۱۳۸۰)، رابطه عملیات تروریستی و سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا. اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره‌های ۱۷۲-۱۷۱.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث و محمدمهدی نامداری. (۱۳۹۲). «بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد غرب و راهبرد ترکیه در این کشور». فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی. بهار و تابستان. سال دوم، شماره ۳. از صفحه ۱۰۱ تا ۱۱۸.

- Joffe, George. (May 2012). "The Regional Implications of The Conflict In Syria". NOREF Policy Brief.



- Johnson, I. (1997). Redefining the Concept of Governance.
- Leacock, Stephan. (1924). Elements of Political Science, London: Constable.
- World Bank, (1989). Sub-Saharan Africa: From Crisis to Sustainable Growth. A Long-Term Perspective Study, Washington D.C.
- Ratzel, F. (1969). "The Laws of the Spatial Growth of State", in R. E. Kasperson and J.V. Minghi (Eds.), The Structure of Political Geography, Chicago: Aldin.
- Lateef, k. S. (1992). "Comment on Governance and Development", by Boetninger, Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economics 1991, Supplement to the world bank Economic Review and Research Observer, The World Bank, Washington D.C.
- Pounds, N.J.G. and S.S. Ball. (1964). "Core Areas and Development of European State System", Annals, Association of American Geographers, Vol. 54.